

Speech acts of female animal characters in the female animal of Kalila and Dimna and Marzban-nameh based on John Searle's theory

Nasrin Faghih Malek Marzban¹  and Mahsa Shirani² 

1. Associate Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: nfaghih@alzahra.ac.ir
2. PhD in Persian language and literature, Faculty of Literature Alzahra University, Tehran, Iran. Email: M.shirani@alzahra.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The use of animal characters is a creative and educational method that has been used in most ancient Persian tales. Animals serve as character types to represent different classes and groups in society, including men and women. The most important part of the tales, namely the dialogue between the characters, is purposeful, and by analyzing them, information about the processing of these characters can be obtained. In the tales of Kalileh and Demneh and Marzban Nameh, one can observe the dialogue between male and female animals, which are human parables. This article emphasizes tales from the two books Kalileh and Demneh and Marzban Nameh, in which female animals play a central role. By examining the sentences of the dialogues based on Searle's theory of language acts, it was concluded that the speech of female animal characters differs in certain aspects. Female animals are lions, ducks, monkeys, ravens, partridges, and mice. The social class of these allegorical animals causes differences in their use of language. Analysis of the samples shows that this difference exists both in the type of sentences (reporting, imperative, and prohibition) and in the type of linguistic act. Declarative act has the highest frequency among the acts, and persuasive act is in second place. Ordinary women use persuasive act more and powerful women use declarative act more in speech.
Article history: Received 29 Dec 2025 Received in revised form 16 Jan 2026 Accepted 28 Feb 2026 Published online 04 Apr 2026	
Keywords: Speech act, Animal fable, John Searle. Kalilah and Demna, Marzban Nameh, Female animal.	

Cite this article: Faghih Malek Marzban, N., & Shirani, M. (2026)., Speech acts of female animal characters in the female animal of Kalila and Dimna and Marzban-nameh based on John Searle's theory. *Rhetoric and Grammer Studies*, 16 (1). 108-124. DOI: <https://doi.org/10.22091/jls.2026.15329.1784>



© The Author(s)
DOI: 10.22091/jls.2026.15329.1784

Publisher: University of Qom

Introduction

In literary works, including allegorical works, as in the real world, women are rarely mentioned. The roles that female animals play in fables include wife, daughter, and mother. Of these three roles, the role of mother is common in both political and social fables. Dialogue is one of the important elements of the story that, in addition to conveying the message in the primary layer, also conveys the second and hidden layer to the audience. The question is whether these female allegorical characters create a difference in their narrative role by using words. And which language acts do they use?

Materials and Methods

The method is that the stories of these two books, *Kalileh and Demneh* and *Marzban Nameh*, were studied and nine stories were produced and examined with the focus on female animals. The stories include Duck and Fox, Baby Crow with Crow, Mouse and Snake, *azadchehr va Ira* from the books of *Marzban Nameh* and the stories of Lion and Cow, Lion and Jackal, seagull and Sea Advocate, Monkey and Bakhe, Mother's lion and Shooting from the book *Kalileh and Demneh*. The sentences of the characters were examined with Searle's theory. He divides speech acts in his intention act into five groups: declarative, persuasive, emotional, declarative and divisive.

Research Findings

Women are portrayed in two opposite poles in terms of personality traits: some women are far-sighted, resourceful and wise. Others are naive or clever and blunt. The roles they play also include social and political roles. From their conversations and linguistic actions, it is clear that female animals in the political role are conscious and resourceful mothers who manage events with wisdom; they do not get confused and confused; they try to advise their children indirectly. Female animals, who reflect middle-class women, are in the role of an ordinary mother or wife or daughter. From her verbal actions in conversations with other characters, it is clear that she is concerned about protecting her husband and children. This type of women is weak and impatient and obedient to religious and jurisprudential orders, whether by hire or desire.

Discussion of Results and conclusion

Although in the past we have been dealing with more types, linguistic identification occurs both in the superficial layers and in secondary meanings, and unconsciously creates specific characteristics for the characters. This difference is also in the type of sentences (report, imperative, and prohibition) and also in the type of their linguistic actions.

The results show that powerful women are present in fewer stories than middle-level women, but have a higher frequency of sentences. They help resolve political crises with their rational and logical attitude. Therefore, their language act is declarative. They express emotions and feelings less. The powerful always use statements with secondary meanings to gain more influence. In accordance with the requirements of female emotions and the role of motherhood, in some cases her emotions are also expressed. Middle-class female animals are present in more stories. Their concern is to protect the family and children; therefore, their speech is more emotional. These women are more obedient and obedience to the laws of Sharia is institutionalized in their minds. Compared to powerful women, they use declarative actions much less and more emotional, persuasive, and commitment actions. The social and political situation in which these stories are narrated has a direct effect on how women reflect.

کنش‌های گفتاری گفته‌های شخصیت‌های حیوانی مؤنث در حکایت‌های کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه بر اساس نظریه جان سرل

نسرین فقیه ملک مرزبان^۱ و مهسا شیرانی^۲

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: nfaghih@alzahra.ac.ir
۲. دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: M.shirani@alzahra.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۵ کلیدواژه‌ها: کنش گفتاری، حکایت حیوانات، جان سرل، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، حیوان مؤنث.	شخصیت‌های حیوانی سخنگو در آثار متعدد فارسی، از جمله کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه، به عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم، شیوه تفکر و ابراز احساسات انسانی به کار برده شده است. در این حکایات، شخصیت‌های مؤنث و مذکر حیوانی با یکدیگر گفت‌وگوهای هدفمند دارند و در ضمن جملات، مفاهیم چندلایه را هم به شخصیت داستانی و هم به مخاطب ابلاغ می‌کنند. در این مقاله جمله‌های گفته‌های حیوانات مؤنث از تمام حکایات این دو کتاب گردآوری و بر اساس کنش‌های گفتاری جان سرل بررسی شد. در این تحلیل، نقش اجتماعی شخصیت مؤنث و موضوع سخن او اهمیت دارد و نوع تمثیلی این حکایات نشان می‌دهد که از طریق لایه‌های نمایی، نگرش اجتماعی و سیاسی ویژه‌ای از زنان در جامعه باز نمود دارد. از تحلیل این گفت‌وگوها این نتیجه به دست آمد که گفتار شخصیت‌های حیوانات ماده در نکاتی خاص با هم تفاوت دارند. حیوانات ماده شیر، بظ، بوزینه، زاغ، کبک و موش هستند. طبقه اجتماعی این حیوانات تمثیلی باعث تفاوت در کاربرد زبان از سوی آن‌هاست. بر اساس تحلیل نمونه‌ها این تفاوت هم در نوع جمله‌های (خبری، امری و نهی) و همچنین، در نوع کنش زبانی وجود دارد. کنش اظهاری بیشترین بسامد را در میان کنش‌ها دارد و در رتبه دوم کنش ترغیبی است. زنان عادی از کنش ترغیبی و زنان صاحب قدرت از کنش اظهاری در کلام بهره بیشتری می‌گیرند.

استناد: فقیه ملک مرزبان، نسرین و شیرانی، مهسا. (۱۴۰۵). «کنش‌های گفتاری گفته‌های شخصیت‌های حیوانی مؤنث در حکایت‌های کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه بر اساس نظریه جان سرل». پژوهش‌های دستوری و بلاغی. دوره ۱۶، شماره ۱. صص: ۱۰۸-۱۲۴. <https://doi.org/10.22091/jls.2026.15329.1784>



© نویسنده گان.

ناشر: دانشگاه قم

(۱) مقدمه

روایت قصه‌ها و پردازش آن‌ها ارتباط مستقیمی با تجربه، نگرش و تخیل روایت‌کننده و روایت‌شنو دارد. رغبت انسان به روایت قصه و شنیدن آن و نیاز به اقتناع تخیل فعال انسانی همواره باعث شده تا شیوه‌های جدیدی برای روایت قصه ابداع کند. یکی از صورت‌های خلاقانه روایت قصه و حکایت، حکایت‌های حیوانات است. در این گونه از حکایت‌ها شخصیت حیوانی جانشین شخصیت انسانی می‌شود. این خلاقیت حاصل هم‌زیستی دیرینه انسان در طبیعت و تجربه‌زیسته او بود. «ورود جانوران به ادبیات به زمانی برمی‌گردد که تخیل وارد ادبیات شد؛ یعنی دورانی که انسان برای بیان آنچه درک درستی نسبت به آن نداشت از تخیل خود استفاده کرد و جانوران را با همان هیئت، اما با زبانی انسانی، به ادبیات آورد. این مرحله هم‌زمان است با مرحله فیتیشسم (جانورپرستی) دورانی که انسان از حیوان به عنوان مظاهر پرستش استفاده می‌کند. فیتیشسم بر ورود حیوانات تأثیر داشت. در این دوران، نقش‌های تثبیت‌شده‌ای برای جانوران خلق می‌شود» (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۵۰). در حکایت‌های حیوانات رفتار و عواطف انسانی به حیوانات نسبت داده می‌شود. قصد از این گونه تمثیل‌ها بیان نکته اخلاقی یا اندرزی است که در ابتدا یا انتهای حکایت از زبان راوی بازگو می‌شود. حکایت‌های حیوانات مانند همه متون روایی و داستانی عناصری مانند شخصیت، زمان، مکان، کنش، گفت‌وگو دارد. یکی از مهم‌ترین عناصر ساختاری آن گفت‌وگوست که اهمیت ویژه‌ای در حکایت‌ها و در انتقال پیام اصلی حکایت دارد. از میان این گفت‌وگوها، گفتار و جملات حیوانات مؤنث به عنوان تمثیلی از یک طبقه در کانون توجه است.

در ابتدا این پرسش مطرح می‌شود که میزان حضور زنان و به طبع آن، حضور حیوانات مؤنث در این حکایت‌ها چقدر است؟ این حکایت‌ها بازتابی از ساختار اجتماعی و سیاسی است و شخصیت‌های حیوانی مذکر و مؤنث تمثیلی از زنان و مردان در این ساختارها هستند. با توجه به بازتاب فضای گفتمانی و نقش‌های تمثیلی حیوانات، حکایت‌های بررسی شده را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: الف) حکایت‌هایی که گفتمان سیاسی بر آن حاکم است و شخصیت‌های حیوانی تمثیلی از نقش‌های ساختار قدرت مانند شاه و نزدیکان اوست؛ ب) حکایت‌هایی که گفتمان اجتماعی - خانوادگی را بازتاب می‌دهد و شخصیت‌های حیوانی، نقش شخصیت‌های این طبقه از جامعه را ایفا می‌کنند. توصیف سیاست‌نامه درباره زنان می‌تواند نمونه‌ای درباره دیدگاه غالب درباره زنان و جایگاه آن‌ها باشد: «نباید که زیردستان پادشاه زبردست شوند که از آن خلل‌های بزرگ تولد کند و پادشاه بی‌فر و شکوه شود، خاصه زنان که اهل سترند و کامل عقل نباشند و غرض از ایشان گوهر نسل است که برجای بماند و هرچه از ایشان اصیل‌تر بهتر...» (نظام‌الملک، ۱۳۴۰: ۲۲۶). از این جهت که در جامعه سنتی ایران زنان حضوری بسیار کم‌رنگ دارند؛ به تبع آن، در آثار ادبی و از جمله آثار تمثیلی نیز از آنان کم‌تر نام برده می‌شود. نقش‌هایی حیوانات مؤنث در حکایت‌ها برعهده دارند، شامل همسر، دختر و مادر است. از این سه نقش، نقش مادری هم در حکایت‌های سیاسی و هم در حکایت‌های اجتماعی مشترک است. این شخصیت‌ها با گفت‌وگوی خود در پیرنگ و انتقال پیام نقش اصلی و مهمی دارند؛ به‌طوری‌که، نمی‌توان آن‌ها از حکایت حذف کرد. اگر برای شخصیت دو دسته‌بندی اصلی و فرعی در نظر بگیریم؛ حیوانات ماده نقش‌های اصلی را عهده دارند. پیش‌تر اشاره کردیم که عنصر گفت‌وگو عنصری مهم در این حکایت‌هاست. فرایند اقتناع شخصیت‌ها و همچنین، شنونده داستان از طریق این عنصر رخ می‌دهد: «گفت‌وگو به معنای مکالمه و صحبت کردن با هم و مبادله افکار و عقاید است و در شعر و داستان و نمایشنامه به کار برده می‌شود.» و «صحبتی را که در میان شخصیت‌ها یا به‌طور گسترده‌تر، در افکار شخصیت واحدی در هر کار ادبی صورت می‌گیرد، گفت‌وگو نامیده می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۹۵: ۶۲۰). چنان‌که از این

تعریف‌ها نیز استنباط می‌شود گفت‌وگو راه انتقال پیام و ابزاری برای بیان آن است. جان سرل برای انتقال معنای اولیه و ثانویه و همین‌طور مقوله‌های مربوط به انطباق جمله با واقعیت (صدق و کذب) روشی کاربردی به دست داده است و با تقسیم‌بندی انواع جمله‌ها می‌کوشد از دنیای موسع بی‌نهایت معنا، ما را به پنج نوع جمله بحث‌پذیر برساند. پرسش اینجاست که آیا این شخصیت‌های تمثیلی مؤنث با استفاده از کلام تفاوتی در نقش روایی خود ایجاد می‌کنند؟ و از کدام کنش‌های زبانی بهره می‌گیرند؟ در این مقاله با اتکا به تنوع کنش‌های گفتار در نظر سرل، گفته‌های شخصیت‌های مؤنث حیوانی در دو کتاب مهم ادبیات فارسی تحلیل می‌شوند. در خصوص گفت‌وگوی میان شخصیت در قصه‌های کهن یا اصطلاح متداول‌تر آن تیپ یا شخصیت‌های نوعی که «نشان‌دهنده خصوصیات گروه یا طبقه‌ای از مردم است» این نظر مطرح شده است که «قهرمان قصه‌ها همه یک‌جور حرف می‌زنند. از شاه و وزیر گرفته تا عیار و پهلوان و سپاهی و مردم عادی هیچ‌گونه افتراقی میان صحبت‌های آنان نیست» (همان: ۶۱۰). بررسی گفت‌وگوها براساس کنش‌های زبانی سرل، با تأکیدی که بر ویژگی‌های دستوری هم در لایه ظاهری و هم در معنای ثانویه دارد، نشان می‌دهد این تیپ‌ها در گفتار تا حدودی از یکدیگر متمایز می‌شوند. باید تصریح کرد باوجود این پردازش‌ها همچنان فاصله زیادی بین این قهرمانان قصه‌های کلاسیک و شخصیت داستان مدرن وجود دارد.

۱-۱) پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی روی حکایت حیوانات در قالب کتاب، رساله و پایان‌نامه و مقالات صورت گرفته است، ازجمله پژوهش‌های مرتبط می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- حیدری (۱۳۸۵) در مقاله «سیمای زن در کلیله و دمنه» به بررسی نگرش زن‌ستیزانه نصرالله منشی در ترجمه کلیله و دمنه پرداخته است. اگرچه موضوع مقاله زن‌ستیزی است، در حوزه روابط انسانی است و از حیوانات مؤنث نام برده نشده است؛

- رضوانی‌نیا (۱۳۹۷) در قالب رساله دکتری با عنوان «نقد و تحلیل درون‌مایه و ساختار حکایت‌های تمثیلی (نمایشی) در ادب فارسی در قرن ۶ و ۷ بر پایه کلیله و دمنه، سمک عیار، چهارمقاله، مرزبان‌نامه و گلستان سعدی» به این نتیجه دست یافت: تمثیلات و کنایه‌ها به دلیل پیوند محکمی که با جامعه و واقعیت دارد، به‌عنوان جزء مهمی از ادبیات به حساب می‌آید؛

- امامی و صحرایی (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی رابطه طبقه اجتماعی با اخلاق زنان در حکایات کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه» بیان کرده‌اند که بین طبقه اجتماعی و میزان پابندی به اصول اخلاقی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد؛ - نیازی و انتظامی (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «ساختارهای تمثیلی و انواع آن در کلیله و دمنه» به تحلیل و دسته‌بندی تمثیل‌های کتاب از نظر ساخت این تمثیلات پرداخته‌اند و چهارنوع برای آن‌ها قائل شده‌اند؛

استفاده از نظریه کنش گفتاری سرل برای تحلیل متون ادبی نیز سابقه دارد. از پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان به مقاله زرقانی و اخلاقی (۱۳۹۱) با عنوان «تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریه کنش گفتار»، پژوهش سمایی و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «تحلیل متن نامه‌امیر مسعود به آلتون‌تاش خوارزمشاه» از تاریخ بیهقی براساس نظریه کنش گفتار جان راجرز سرل و مقاله ملایی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «تحلیل گفتار شخصیت‌های زن و مرد در پادشاهی گشتاسب

براساس نظریه گفتار سرل» و همچنین، به پژوهش تیموری و همکاران (۱۴۰۱) با عنوان «نقد و بررسی کنش‌های گفتاری جمله‌های پرسشی در قصاید سلمان ساوجی» اشاره کرد.

تفاوت پژوهش پیش‌رو با دیگر پژوهش‌های انجام شده در چند نکته است: این پژوهش به گفت‌وگوی حیوانات و به صورت ویژه بر حیوانات مؤنث تأکید دارد؛ همچنین، به ارتباط جایگاه اجتماعی و شیوه سخن گفتن آن‌ها می‌پردازد. تاکنون پژوهشی با نظریه سرل روی این دو متن صورت نگرفته است و مقاله پیش‌رو رهیافتی تازه برای تحلیل این دو متن تمثیلی کلاسیک فارسی است. حکایت‌های تمثیلی حیوانات به دلیل ساختاری تمثیلی و چندلایه بیش از متون روایی دیگر می‌تواند ابزاری برای انتقال پیام و مفهوم باشد؛ بنابراین، پژوهش‌هایی با رویکردهای نو اهمیت این متون را بیش از پیش روشن می‌کند.

۱-۲) روش پژوهش

تمرکز این پژوهش بر حکایت‌های کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و به طور مشخص، بر حکایت‌هایی است که شخصیت حیوانی ماده در آن‌ها حضور دارند. روش به این صورت است که حکایت‌های این دو کتاب مطالعه و حکایت‌ها با محوریت حیوانات ماده استخراج و بررسی شد. حکایت‌های بط و روباه، بچه‌زاغ با زاغ، موش و مار، آزادچهره و ایرا از کتاب‌های مرزبان‌نامه و حکایت شیر و گاو، شیر و شغال، طیطوی و وکیل دریا، بوزینه و باخه، شیر مادر و تیرانداز از کتاب کلیله و دمنه است.

۱-۳) مبانی نظری پژوهش

نظریات جدید در حوزه زبان‌شناسی می‌تواند نشان‌دهنده زوایای تازه‌ای از متن‌های ادبی باشد، به ویژه حکایت‌های تمثیلی حیوانات که از ارزش ادبی، اخلاقی و جامعه‌شناسی بسیار برخوردار است. نظریه کنش گفتاری از نظریات جدید در علم زبان‌شناسی است: «کنش گفتاری به طور کامل، بازنمایی اجتماعی بافت و بستر جامعه هستند؛ یعنی بافت و بستر جامعه در چهارچوب این کنش‌های گفتاری سامان می‌یابد و بافت گفتار می‌تواند عملکردهای اجتماعی انسان را نشان می‌دهد» (ملکی سروستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۶)؛ به تعبیر دیگر، می‌توان گفت نظریه کنش گفتار «زبان را در بافت کنش انسانی قرار می‌دهد و درباره کارکردها و اهداف کنش انسانی که توسط جملات تحقق می‌یابند، بحث می‌کند» (پوترس، ۲۰۰۸: ۳۳۷ به نقل از خسروی ۱۳۹۶: ۲). می‌توان میان نظریه کنش گفتاری سرل مانند دیگر نظریات جدید شباهت‌های بسیاری با بلاغت اسلامی و علم معانی یافت. در علم معانی سخن غرض‌های ثانویه در یک جمله است. سخن گفتن با توجه به اقتضای حال و اقناع مخاطب و شگردهای بیانی در این علم بحث می‌شود. جمله‌هایی که می‌تواند خبری، پرسشی، امری یا نهی باشد و در ضمن آن لایه معنایی دوم و غرض ثانویه‌ای را به مخاطب منتقل کند. فیلسوفان تحلیلی بر این باور بودند که کار اصلی زبان فقط توصیف واقعیت است: «این دیدگاه سبب شد تا فیلسوفان گزاره‌های زبان را به دو نوع توصیفی و ارزشی تقسیم کنند» (سرل، ۱۳۸۰: ۲۱۴). گزاره‌های توصیفی نیز به دو گروه تحلیلی و تألیفی تقسیم می‌شود. جان آستین (John Austin) (۱۹۶۰-۱۹۱۱) با رد این نظر، تقسیم‌بندی تازه‌ای را مطرح کرد: «او اظهارات یک گوینده را به دو دسته انشایی و اخباری تقسیم کرد» (سرل، ۱۳۸۵: ۳۱). او سه وجه تمایز میان این دو گروه مطرح کرد: اول، اینکه در اظهارات انشایی از فعل نحوی خاصی برای انجام فعل مورد نظر استفاده می‌شود، اما در گزاره‌های اخباری به کار بردن فعل خاصی لازم نیست؛ دوم، اینکه اظهارات اخباری صدق و کذب پذیرند، ولی اظهارات انشایی این گونه نیست و سوم، اینکه اظهارات

انشایی از مقوله فعل‌اند؛ درحالی‌که، اظهارات اخباری از سنخ توصیف یا بیان واقعیت است (همان‌جا). مطالعات دقیق‌تر آستین موجب شد در تقسیم‌بندی خود تجدیدنظر کند و درنهایت، نظریه کنش گفتاری مطرح کرد. «این نظریه به بررسی این نکته محوری می‌پردازد که چگونه در بافتی معین گفته‌ها به خودی‌خود، کاری را انجام می‌دهند» (مکاریک، ۱۳۹۳: ۲۳۶). او بیان کرد «تمام اظهارات زبانی، از سنخ اظهارات کنشی و از مقوله کنش و فعل هستند. او میان سه سطح متفاوت برای افعالی که انسان هنگام سخن گفتن انجام می‌دهد، تمایز قائل شد: کنش بیانی، کنش منظوری و کنش تأثیری» (پایا، ۱۳۸۳: ۴۴۰). آستین کنش منظوری را به پنج نوع متفاوت تقسیم کرد: حکمی (بر التزام گوینده نسبت به حقیقتی دلالت دارد)، تحکمی (نشان‌دهنده اعمال قدرت، حکمیت و نفوذ است)، تعهدی (بر تعهد گوینده نسبت به انجام عملی دلالت دارد)، رفتاری (مبین انواع رفتارهای اجتماعی سخن‌گویان است)، توضیحی (نشان می‌دهد که کلام چگونه در فرایند مکالمه شکل می‌گیرد) (استرول، ۱۳۹۲: ۲۷۴).

جان سرل (John Searle) (۱۹۳۲) به بسط و گسترش نظریه آستین پرداخت. سرل معتقد است گوینده با بیان هر جمله‌ای سه کنش تلفظی، گزاره‌ای و منظوری انجام می‌دهد. او کنش منظوری را به پنج گروه تقسیم می‌کند: عبارت‌اند از: «اظهاری، ترغیبی، عاطفی، اعلامی و تعهدی» (Searl, 1999: 63-57).

- کنش اظهاری (representative speech acts): «هدف از کنش اظهاری توصیف حالت یا حادثه‌ای است و گوینده عقیده خود را درباره صحت و سقم مطلبی بیان می‌کند. این کنش تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده، نشان می‌دهد» (صفوی، ۱۳۸۷: ۸۲).

- کنش ترغیبی (directives speech acts): هدف در کنش «ترغیبی واداشتن مخاطب به انجام یا ترک کاری و قراردادن شنونده در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است؛ یعنی گوینده می‌خواهد شنونده کاری را انجام دهد. گوینده می‌کوشد کاری کند که چیزهایی انجام شود و جهان را با محتوای گزاره‌ای که شامل عمل آتی شنونده است، تطبیق دهد» (Yule 1996: 54).

- کنش عاطفی (expressives speech acts): گوینده در این کنش گفتاری احساسات، عواطف و موضع‌گیری خود را نسبت به چیزی یا امری بیان می‌کند (ریچاردز و اسمیت، ۲۰۰۲: ۴۹۹).

- کنش تعهدی (commissives speech acts): افعالی که «گوینده با آن‌ها خود را به چیزی ملزم و متعهد می‌کند، مانند وعده‌دادن و امثال آن» (سرل، ۱۳۸۷: ۳۴).

- کنش اعلامی (declarations speech acts): این کنش شامل گزاره‌هایی است که به شرایط ویژه و جدیدی در دنیای واقعی منجر می‌شود: «این کنش توانایی هود را در ایجاد تغییر در امور واقع، از یک نهاد رسمی فرازبانی می‌گیرد. فعل‌هایی مانند اعلام کردن، جنگ کردن، افتتاح کردن برای چنین کنشی مناسب‌اند» (باربر و استیتو، ۲۰۱۰: ۷۰۹).

۲) بررسی کنش‌های زبانی حیوانات مؤنث

۲-۱) معرفی حکایت‌ها، نقش حیوانات و موضوع گفتگوها

کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه دو اثر شاخص در ادبیات تمثیلی و ژانر فابل محسوب می‌شود. محتوای این دو کتاب حکایت‌های تمثیلی حیوانی است حکایت‌های حیوانات یا فابل «در اصل و به مفهوم کلی به هر داستان خیالی یا بیان توصیفی گفته

می‌شود. در مفهوم جدید و دقیق‌تر عبارت است از: حکایتی کوتاه- چه به نظم و چه به نثر- که به قصد انتقال یک درس اخلاقی یا سودمند گفته شده است. در این حکایت اخلاقی شخصیت‌ها بیشتر حیوانات‌اند، ولی اشیای بی‌جان، انسان و خدایان نیز ممکن است در آن ظاهر گردند» (پورنامداریان، ۱۳۹۱: ۱۴۲). تمثیل یکی از شیوه‌های مهم برای انتقال معنا، به‌ویژه در متون تعلیمی، است. اقتناع مخاطب با استفاده از تمثیل بهتر صورت می‌گیرد و سخن بر مخاطب اثرگذاری بیشتری خواهد داشت؛ از همین رو، جرجانی به‌درستی دریافته که مزیت تمثیل نه در خود معنا، بلکه در شیوه اثبات معناست.

کلیله و دمنه اثری منثور و دربرگیرنده داستان و حکایت‌هایی از زبان حیوانات است. این کتاب ترجمه‌ای از کتابی هندی به نام پنجه تنتره به معنای پنج کتاب یا پنج پند است. نخستین ترجمه آن از سانسکریت به پهلوی به دست برزویه حکیم انجام یافت و در سده‌های اول اسلامی، این کتاب از پهلوی به عربی ترجمه شد. ترجمه از عربی به فارسی دری به دستور نصر بن احمد صورت گرفت. آنچه امروز از کلیله و دمنه در دست داریم، کتابی است که نصرالله منشی و به دستور بهرام شاه غزنوی (۵۱۲-۵۴۷ ه. ق.) بازنویسی کرده است. کتاب کلیله و دمنه از پانزده باب تشکیل شده است. در این باب‌ها داستان‌های اصلی روایت شده و در ضمن آن، حکایت‌های فرعی نقل شده است.

مرزبان‌نامه در اواخر قرن چهارم هجری توسط اسپهبد مرزبان بن رستم بن شروین به زبان طبری نوشته شده است. در فاصله سال‌های ۶۱۷ تا ۶۲۲ سعدالدین وراوینی این کتاب را به زبان دری و به سبک و شیوه دوره خود بازنویسی کرد. وی علاوه بر اینکه کتاب را از زبان طبری به زبان فارسی رایج برگرداند، شواهد شعری و ضرب‌المثل‌هایی نیز به آن افزود و در برخی موارد نیز از آیات قرآن و احادیث شاهد مثال‌هایی به متن کتاب اضافه کرد. کتاب شامل ده باب است و با یک دیباچه آغاز می‌شود. هر باب یک داستان اصلی دارد و در ضمن آن حکایت‌های فرعی روایت شده است.

نُه حکایت در این دو کتاب وجود دارد که حیوانات ماده در آن نقش دارد. باب بازجست کار دمنه که مادر شاه نقش محوری دارد. پس از بحران وارد داستان می‌شود و به روشن شدن حقیقت کمک می‌کند (منشی، ۱۳۸۷: ۲۰۱). داستان شیر و شغال پیش از وقوع بحران، یعنی کشته شدن شغال، مادر شیر وارد داستان می‌شود و با تدبیر و راهنمایی خود مانع از اقدام عجولانه شیر و کشتن شغال می‌شود (همان: ۴۲۵). حکایت بوزنه و باخه با محوریت حسادت زنانه تلاش و دسیسه حیوان ماده را با هم‌فکری دوستش برای حفظ محبت همسرش نشان می‌دهد (همان: ۳۳۲). حکایت طیطوی و وکیل دریا، حکایت تلاش یک جفت طیطوی را برای حفظ فرزندانشان از وکیل دریا و طیطوی ماده تدبیر و نگرانی بیشتری دارد (همان: ۱۷۶).

حکایت شیر مادر و تیرانداز حکایت مادری است که فرزندانش شکار می‌شود (همان: ۲۴۳). حکایت آزاد چهر و ایراقصه جفتی کبک و تلاش آن‌ها برای حفظ جوجه‌هایشان است (همان: ۶۷۳). حکایت موش و مادر حکایت موشی است که لانه‌اش تصاحب شده و از مادرش مشورت می‌خواهد (همان: ۲۳۴). همان‌گونه خلاصه پیرنگ حکایت مشخص است. زنان در این حکایت هم با ویژگی‌های مثبت و هم با ویژگی‌های منفی بازنمایی شده‌اند. جنسیت شخصیت‌ها یا براساس نقش‌های آنان مانند مادر، دختر مشخص می‌شود یا با عنوان‌هایی که باعث مشخص شدن جنسیت می‌شود، مانند جفت، ماده یا اصطلاحاتی مانند «ای خواهر، خواهرخوانده» (منشی، ۱۳۸۷: ۳۳۶). زنان از نظر ویژگی‌های شخصیتی در دو قطب متضاد تصویر شده‌اند: برخی از زنان دوراندیش، مدبر و صاحب‌خردند. مانع از رخدادهای جدی و بروز حوادث می‌شوند و عدالت را برقرار می‌کنند، مانند مادر شیر، مادر موش، ایرا. برخی دیگر نیز ساده‌لوح یا زیرک و رندند و می‌کشند با شیوه‌هایی مانند مکر، زیرکی و حيله زندگی خود را حفظ کنند، مانند باخه ماده، بط ماده. زرنکی و زیرکی

«یکی از خصائل ایرانیان است که ذکر آن بسیار رفته و آثار ادبی و حکایات فراوان مؤید آن است. ... شخص زرنگ می‌کوشد بر ادراک دیگران از عناصر و عوامل دست‌اندرکار در یک موقعیت ارتباطی تأثیر بگذارد و آن را به‌سوی دستیابی به تعبیر خاصی از عناصر رمزگان ارتباط هدایت کند» (بی‌من، ۱۴۰۰: ۵۵). در این ارتباط زبانی، حیوانات مؤنث با کنش‌های زبانی می‌کوشند تأثیرگذار باشند که گاه موفق می‌شوند و گاه شکست می‌خورند.

جدول شماره ۱. شرحی از نقش و موضوع گفت‌وگوی شخصیت‌های مؤنث در حکایت‌ها

داستان	موضوع گفت‌وگو	نقش حیوان	شخصیت‌های مقابل حیوان
ماده	ماده	ماده	ماده
باب بازجست کار دمنه (ک.د) ^۱	حفظ قدرت و موقعیت فرزند	مادر شیر (شاه)	مادر شیر با فرزندش مادر شیر با پلنگ مادر شیر با دمنه
باب شیر و شغال (ک.د)	حفظ قدرت و موقعیت فرزند	مادر شیر (شاه)	مادر شیر با شیر
حکایت بوزنه و باخه (ک.د)	حفظ کانون خانواده	جفت بوزنه و دوستش	بوزنه ماده با دوستش بوزنه نر و ماده
حکایت طیطوی و وکیل دریا: (ک.د)	حفظ کانون خانواده و سلامت فرزندان	طیطوی ماده	طیطوی ماده و جفتش
حکایت شیر مادر و تیرانداز (ک.د)	حفظ کانون خانواده و سلامت فرزندان	مادر	شیر مادر با شغال
حکایت زاغ‌بچه با زاغ (م.ن)	حفظ کانون خانواده و سلامت فرزندان	مادر دختر	مادر و دختر (زاغ)
حکایت بط و روباه (م.ن)	حفظ کانون خانواده و سلامت فرزندان	بط ماده	بط ماده و روباه نر
حکایت آزاد چهر و ایرا (م.ن)	حفظ کانون خانواده و سلامت فرزندان	ایرا (کبک ماده)	کبک نر و ماده
حکایت موش و مادر (م.ن)	حفظ کانون خانواده و سلامت فرزندان	مادر	مادر و فرزند (موش)

۲-۲) انواع کنش‌های زبانی حیوانات بر اساس طبقه اجتماعی

براساس داده‌ها حیوانات ماده در نقش‌های تکرارشونده‌ای در حکایت‌ها دیده می‌شود. گفت‌وگوی آن‌ها با شخصیت‌های مقابل، ویژگی‌هایی از شخصیت‌های داستان، مانند ویژگی‌های روانی، موقعیت اجتماعی و قدرت، عقاید و دیدگاه‌های

۱. نگارندگان نام کتاب کلیله و دمنه را با حرف اختصاری (ک.د)، و مرزبان‌نامه را با نام اختصاری (م.ن) مشخص کرده‌اند.

آن‌ها را بازتاب می‌دهد. گفت‌وگو روشی برای بیان اندیشه و افکار است. آنچه در این گفت‌وگوها اهمیت دارد عبارت‌اند از: نوع جمله‌ها، بسامد گفت‌وگوهای شخصیت‌ها با هم، معانی ثانویه و عواطفی است که در پس جمله‌ها نهفته است. پیش‌تر از دو گروه حکایت سخن گفتیم، بر مبنای این تقسیم‌بندی، نقش‌ها نیز دسته‌بندی می‌شود: نقش‌های اجتماعی و نقش‌های سیاسی. در تقسیم‌بندی موازی دیگری بر مبنای جنسیت نقش‌های تثبیت‌شده دیگری مانند مادر و فرزند و همسر نیز بیان شد: «جنسیت پدیده‌ای فرهنگی است و بر نوع ارتباط و جایگاه زن و مرد در جامعه و بر سبک و محتوای زبان از نظر آوایی، واژگانی، دستوری، معنایی و ارتباطی تأثیرگذار است.» (کراچی، ۱۳۹۴: ۲۳۵)؛ برای این اساس، به بررسی کنش‌های زبانی شخصیت‌های حیوانی مؤنث با توجه به تقسیم‌بندی بیان‌شده می‌پردازیم:

۲-۲-۱) کنش‌های زبانی زنان صاحب قدرت

حیوانی که مادر شاه است، زنی خردمند (در معنای مادی آن) به تصویر کشیده می‌شود. مادری آگاه و تدبیرگر که با درایت حوادث را مدیریت می‌کند؛ آشفته و سردرگم نمی‌شود؛ می‌کوشد به صورتی غیرمستقیم فرزندش را نصیحت کند. جمله‌های خبری مادر شیر نه تنها جمله‌های خبری صرف، که امر غیرمستقیم به فرزندش است. این مادر، آن‌چنان که شایسته مقام مخاطبش است، با او سخن می‌گوید و جوانب احتیاط را رعایت می‌کند. او می‌داند باید به مقتضای حال مخاطبش سخن بگوید؛ بنابراین، از امر مستقیم دوری می‌کند.

«نشاید که پادشاه تغیر مزاج خویش بی‌یقینی صادق با اهل و امانت روا دارد، ولیکن باید که در مجال حلم و بسطت علم او همه چیز گنجان باشد و سوابق خدمتکاران، نیکو پیش چشم دارد و مسامحی و مآثر ایشان بر صحیفه دل بنگارد و آن را ضایع و بی‌ثمرت نگرداند و اهمال جانب و توهین منزلت ایشان جایز نشمرد و هر گناه که از عمد و قصد منزّه باشد ذات هوا و اخلاص را مجروح نگرداند ...» (منشی، ۱۳۸۷: ۴۲۶).^۱

این مادر صاحب نفوذ و قدرت است. وبر معتقد است: «قدرت عبارت است از فرصتی که در چهارچوب روابط اجتماعی به وجود می‌آید و به فرد امکان می‌دهد که اراده‌اش را، حتی با وجود مقاومت دیگران، بر آن‌ها تحمیل کند» (وبر، ۱۳۶۷: ۱۳۹). اما این اعمال قدرت به صورت غیرمستقیم، صورت می‌گیرد بسامد جملات خبری نسبت به جملات امری نشان می‌دهد که مادر شیر به صورت غیرمستقیم، به فرزندش امر می‌کند. و باید و نباید حکمرانی را به او آموزش می‌دهد. استدلال‌های مادر شیر در حوزه سیاست مدن و عقل ارسطویی است و مبنایی خردورزانه و مادی گرایانه دارد:

«سخن علما در فضیلت عفو و جمال احسان مشهور است؛ لکن، در جرم‌هایی که اثر آن در فساد عام و ضرر آن در عالم شایع نباشد. چه هرکجا مضرت شامل دیده شد و وصمت آن ذات پادشاه را بیالود و موجب دلیری دیگر مفسدان گشت و حجت متعدیان بدان قوت گرفت و هریک در بدکرداری و ناهمواری آن را دستور معتمد و نمودار معتبر ساختند و عفو و اغماض و تجاوز و اغضا را مجال نماند و تدارک آن واجب بل که فریضه گردد ... ای پسر، خویشان در حیرت و حسرت متفکر مگردان ...» (منشی، ۱۳۸۷: ۴۲۵).

کنش‌های او بیشتر اظهاری است. این کنش‌ها «به سبب اظهارنظر مستقیم گوینده تک‌خوانشی و گوینده‌محور است» (تیموری و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۲۷). جدول زیر نمونه‌های کنش‌های گفتاری حیوانات مؤنث از حکایت‌های بازجست دمنه (منشی، ۱۳۸۷: ۱۹۵-۲۲۹) و شیر و شغال از کتاب کلیله و دمنه (همان: ۴۲۵-۴۴۲) است.

۱. به دلیل محدودیت حجم مقاله از بیان متن کامل گفت‌وگوها هم در متن و هم در جدول‌ها خودداری و به ذکر نمونه بسنده شده است. خوانندگان گرامی می‌توانند به اصل متن مراجعه فرمایند.

جدول شماره ۲. کنش‌های گفتاری حیوانات مؤنث در نقش سیاسی

کنش	حکایت	گوینده - مخاطب	متن گفت‌وگو
اظهاری	بازجست دمنه (ک.د)	مادر شیر به شیر	شهادت هیچ کس برو مقنع تر از نفس او نیست. سخن ملک دلیل است بر آنچه دل او بر بی گناهی شنزه گواهی می‌دهد و هر ساعت قلقلی تازه می‌گرداند. بر خاطر می‌خواند که این کار بی‌یقین صادق و برهان واضح کرده شده است.
اظهاری	_____	مادر شیر به دمنه	ملک را زندگانی تو متفکر گردانیده است و چون خیانت تو ظاهر شد و دروغ که در حق قهرمان ناصح او گفتمی پیدا آمد؛ شاید که تو را طرفه‌العینی زنده گذارد.
اظهاری	شیر و شغال (ک.د)	مادر شیر به شیر	و شغال در دولت تو به محلی بلند و منزلی مشهور رسیده بود. بر وی ثناها می‌گفتی و در خلوات عز و مفاوضت، وی را ارزانی می‌داشتی. تو می‌دانی که در مدت خدمت تو و پیش از آن گوشت نخورده‌ست.
تعهدی	_____	_____	شنوده‌ام، اما اظهار آن ممکن نیست، که بعضی از نزدیکان تو در کتمان آن مرا وصایت کرده است ...
عاطفی	بازجست دمنه (ک.د)	مادر شیر به دمنه	از سوابق مکر و غدر تو چندان عجب نمی‌دارم که از این مواعظت در این حال و بیان امثل در هر باب. چون بدید که سخن دمنه به سمع رضا استماع می‌یابد بدگمان گشت، و اندیشید که ناگاه این غدرهای زران‌دود و دروغ‌های دلپذیر او باور دارد، که او نیک گرم‌سخن و چرب‌زبان بود، به فصاحت و زبان‌آوری مباحثات نمودی ...
ترغیبی	شیر و شغال (ک.د)	مادر شیر به شیر	نخست بدان جماعت که بکشتن او مثال یافته بودند پیغام داد که در کشتن او توقفی باید کرد. ای پسر، خویشتن در حیرت و حسرت متفکر مگردان و از فضیلت عفو و احسان بی‌نصیب مباش.

۲-۲-۲) کنش‌های زبانی زنان طبقه متوسط

حیوانی که به عنوان یک مادر معمولی و از سطح طبقه متوسط جامعه است، نگران حفظ شوهر و فرزندان است. این گونه از زنان مطیع توصیف می‌شوند که به قوانین دینی و فقهی پایبندند، حتی اگر این قوانین خوشایند آنان نباشد. از بارزترین نمونه‌های این پایبندی به قوانین دینی، بیان استدلالی بط ماده است که مبنای فقهی دارد:

«حَقٌّ، جَلٌّ وَ عَلَا، زنان را در امور معاشرت محجور حکم شوهران و مجبور طاعت ایشان کرده است. كَمَا قَالَ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ: اَلرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ، چه توان کرد؟ من نیز بر وفق احکام شرع، گوش فرا حلقه انقیاد او دارم و با مراد او بسازم» (وراوینی، ۱۳۹۳: ۱۵۱).

این گروه، برخلاف زنانی که در صاحب قدرت و نفوذ هستند، نگرانی و اندوهشان توصیف می‌شود و معمولاً شخصیت‌هایی ضعیف و بی‌طاقت نشان داده می‌شوند: «چون غیبت باخه از خانه او دراز شد، جفت او در اضطراب آمد و غم و حیرت و اندوه و ضجرت بدو راه یافت، و شکایت خود با یاری باز گفت» (منشی، ۱۳۸۷: ۳۴۶؛ نمونه‌های بیشتر همان: ۱۷۶ و وراوینی، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

اگرچه دید استدلالی در این گروه وجود دارند، اما درنهایت، از ساده‌لوحی و عواطف خود آسب می‌بینند، مانند سرنوشتی که بط پیدا کرد. (ن. ک وراوینی، ۱۳۹۳: ۱۵۱) یا متوسل به مکر می‌شوند، مانند اقدام جفت باخه و دوستش: «پس، هر دو رای‌ها در هم بستند. هیچ حیل و تدبیر ایشان را واجب‌تر از هلاک بوزنه نبود. و او خود به‌اشارت خواهرخوانده بیمار ساخت و جفت را استدعا کرد و از ناتوانی اعلام کرد» (منشی، ۱۳۸۷: ۳۴۶) و یا در پی ترویج دیدگاه جبرگرایانه، فرزند را وادار به پذیرش تقدیر می‌کند و می‌کوشد او را از نزاع و مقابله با دشمنی قوی‌تر بر حذر دارد؛ بنابراین، از جمله‌های امرونی مستقیم استفاده می‌کند که نشان‌دهنده ترس درونی و ناتوانی اوست:

مادر گفت: «كُنْ كَالضَّبِّ يَعْرِفُ قَدْرَهُ وَ يَسْكُنُ جُحْرَهُ وَ لَا تَكُنْ كَالْجَرَادِ يَأْكُلُ مَا يَجِدُ وَ يَأْكُلُهُ مَا يَجِدُهُ؛ مگر بر ملک قناعت و کفایت زیادت طلبیدی و دست تعرض به گرد کرده و اندوخته‌دیگران یازیدی؟ برو مسکنی دیگر گیر و با مسکنت خویش بساز که تو را زور بازوی مار نباشد و کمان کین او نتوانی کشید ...» (وراوینی، ۱۳۹۳: ۲۳۴).

از نمونه‌های توجه‌برانگیز دختری است که تدبیری بیش از مادر خود دارد. در داستان زاغ بیچه و زاغ است و دختر درایت بیشتری دارد. این درایت در گفتار او و با پرسش‌های بلاغی مشخص است. «لیکن، شوهری که من او را زدن و راندن توانم، در میان مرغان چه مقدار دارد و چون شوهر چنین باشد، مرا در میان طوایف مردمان و اقراں چه سربلندی باشد؟ ...» (وراوینی، ۱۳۹۳: ۳۹۴).

در این گفت‌وگو جمله‌های پرسشی در معنای ثانویه خود به کار رفته و استفهام‌انکاری است. استفاده از استفهام‌انکاری به جای نفی مستقیم، دوراندیشی و تدبیر بیشتری از سوی گوینده به مخاطب القا می‌کند. نکته توجه‌برانگیز اینکه در این حکایت، برخلاف دیدگاه رایج که مادر باید دوراندیش‌تر از فرزند باشد، فرزند از مادر عاقل‌تر است و بزرگ‌تر بودن از نظر سن، دلیل موجهی برای عاقل‌تر و دوراندیش بودن نیست. جدول زیر نمونه کنش‌های گفتاری از حکایت‌های بوزینه و باخه (منشی، ۱۳۸۷: ۳۳۱-۳۵۴)، ماده‌شیر و تیرانداز (همان: ۴۴۲-۴۵۰)، روباه با بط (وراوینی، ۱۳۹۴: ۱۵۸-۱۵۱)، موش و مار (همان: ۲۳۴-۲۴۵)، داستان بچه‌زاغ با زاغ (همان: ۳۹۴-۳۹۷) و عقاب و آزاد چهر و ایرا (همان: ۶۷۳-۷۲۰) انتخاب شده است.

جدول شماره ۳. کنش‌های حیوانات مؤنث در ساختار اجتماعی - خانوادگی

کنش	حکایت	گوینده - مخاطب	متن گفت‌وگو
اظهاری	بط و روباه (م. ن)	بط به روباه	بط پاسخ می‌دهد: «هرچه می‌گویی قضیه وفاق و نتیجه کرم و اشقاق است. لیکن مرد را تا چهار زن در عقد نکاح مباح است و او درین عزیمت به رخصت شرع تمسک دارد. فَانْكُحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنً وَ ثَلَاثَ وَ رِبَاعًا وَ او مردی پیش‌بین و دوراندیش و پاکیزه‌رای باشد و از سر اشارت فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً باخبر ...
تهیدی	_____	_____	من تحمّل او واجب بینم. بط جواب داد که حق، جلّ و علا، زنان را در امور معاشرت محجور حکم شوهران و مجبور طاعت ایشان کرده است. من نیز بر وفق احکام شرع، گوش فرا حلقه انقیاد او دارم و با مراد او بسازم.
توغیبی	_____	روباه به بط	اکنون بفرمای تا رهایی من ازو به چه وجه میسر می‌شود؟

اظهاری	بچه موش و مادر (م. ن)	مادر به موش	و اگر چه تو از سرِ سرتیزی بسرِ دندان تیز مغروری، هم دندانِ مار را نشایی که پیلِ مست را از دندانِ او سنگ در دندان آید و شیرِ شرزه را زهرِ او زهره بریزد ... و اگر چه از موطن و مآلفِ خویش دور شدن و از مرکزِ استقرار به مهاجرت کردن و تمتعِ دیگران از ساخته و پرداخته خود دیدن، مجاهده‌ای عظیم باشد و مکابدتِ الیم ...
ترغیبی	_____	_____	برو مسکنی دیگر گیر و با مسکنِ خویش بساز که تو را زور بازویِ مار نباشد و کمانِ کین او نتوانی کشید. مادر گفت: «اگر چنین دستیاری داری و این دست برد می توانی نمود، اصبت و الزم».
تعهدی	بچه زاغ با زاغ (م. ن)	زاغ به فرزندش	لیکن می خواهم که تو را به شوهری دهم، چنانک فرمان پذیر و زیر دست تو بود و پای از اندازه گلیمِ خویش زیادت نکشد.
اظهاری	_____	_____	امروز بومی به استدعا کس فرستادست، اگر برضایِ تو مقرون می افتد، از همه او لایق تر، چه بهر ناکامی که از تو بیند، تن دردهد، هم به خدمت و مراعاتِ تو ملجأ تواند بود ...
تعهدی	_____	_____	اگر با او بازی شکر گوید و اگرش بسوزی، برگِ شکایت ندارد.
ترغیبی	بوزینه و باخه (ک. د)	بط ماده به همسر باخه	گفت: «او با بوزنه‌ای قرینی گرم آغاز نهاده است و، دل و جان بر صحبت او وقف کرده، و مودت او از وصلت تو عوض می شُمرَد، و آتش فراق تو به آب وصال او تسکینی می دهد. تدبیری اندیش که متضمن فراغ باشد.
اظهاری	_____	_____	جواب داد که: «اگر عیبی نکنی و مرا دران متهم نداری تو را از حال او بی‌گاهانم. گفت: ای خواهر، در سخن تو چگونه ریت و شبهت تواند بود، و در اشارت تو تهمت و به چه تأویل صورت بندد؟»
عاطفی	_____	باخه به بط	چون غیبت باخه از خانه او دراز شد، جفت او در اضطراب آمد و غم و حیرت و اندوه و ضجرت بدو راه یافت و شکایت خود با یاری باز گفت. غم خوردن سود ندارد.
ترغیبی	زاغ بچه و زاغ (م. ن)	مادر به فرزند	زاغ دختر را پیش خواند و گفت: «ای فرزند، اشراف از اطراف به ما روی نهاده اند و بخطبت و رغبتِ تو تنازع و تراحم می رود».
ترغیبی	_____	فرزند به مادر	زاغ بچه گفت: «ای مادر، نیکو گفתי و درین سخن آسودگی و فراغ خاطر من می طلبی؛ لیکن، شوهری که من او را زدن و راندن توانم، در میانِ مرغان چه مقدار دارد و چون شوهر چنین باشد، مرا در میانِ طوایفِ مردمان و اقراں چه سربلندی باشد؟ من از بهر رغادتِ عیشِ خویش و غادتِ شوهر چگونه روا دارم که خود در حکم او باشم؟».
عاطفی	ماده شیر و تیر انداز (ک. د)	مادر	چون شیر باز آمد و بچگان را از آن گونه بر زمین افکنده دید فریاد و نفیر به آسمان رسانید.
اظهاری	_____	_____	شیر صورت حال باز راند و بچگان را بدو نمود.
عاطفی	آزادچهر و ایرا (م. ن)	ماده به همسرش	ایرا گفت: راست است این سخن ما در صفتِ این محنت و نعمت بهم مشارکیم و در عینِ واقعه یکدیگر منغمس و هردو به یک داغِ بلا مبتلا».

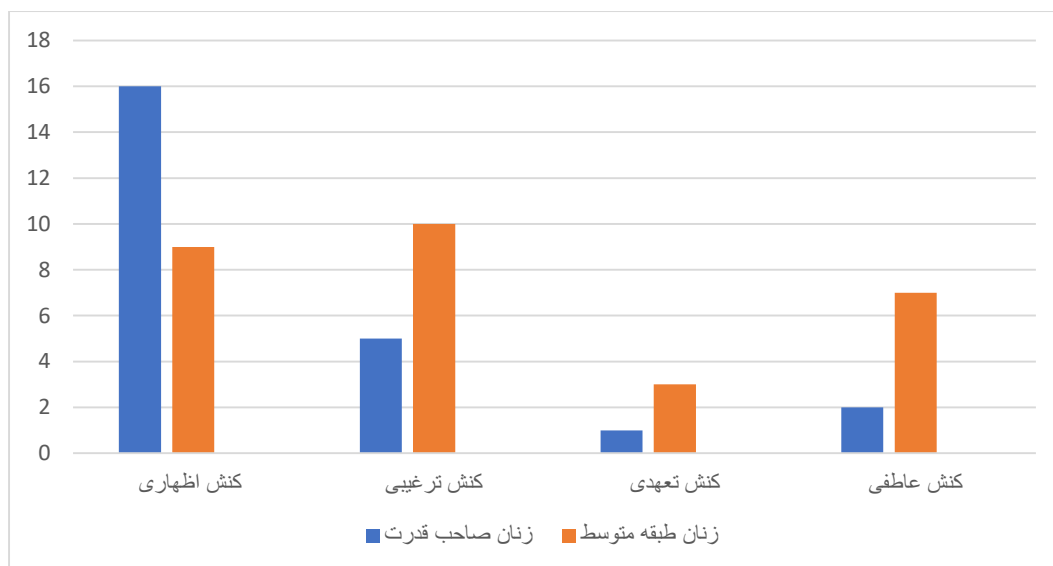
ماده چون آن بدید اضطراب کرد و گفت: من می‌دانستم که با آب‌بازی نیست، و تو به نادانی بچگان را به باد دادی و آتش بر من بیاری، ای خاکسار باری تدبیری اندیش»			
ماده گفت: «خویش‌شناسی نیکو باشد. بچه قوت و عدت و کیل دریا را به انتقام خود تهدید می‌کنی؟ از این استبداد درگذر و برای بیضه جای حصین گزین».			ترغیبی

(۳) نتیجه

نظریات زبان‌شناسی جدید، از جمله کنش گفتاری سرل، ابزاری الگویی مناسب برای تحلیل و واکاوی دوباره متون کلاسیک، از جمله حکایت‌های تمثیلی حیوانات، است. بررسی گفتار حیوانات مؤنث نتایج مهمی از در خصوص ارتباط زبان با جنسیت و طبقه اجتماعی روشن می‌کند. در این مقاله حیوانات ماده در حکایت‌ها را، که تمثیلی از زنان حاضر در جامعه هستند، به دو گروه تقسیم کردیم. مبنای تقسیم‌بندی نقش اجتماعی، میزان قدرت و نفوذ آن‌ها در سطح جامعه‌ای بود که حکایت تمثیلی از آن بود. تطبیق گفتار حیوانات ماده با الگوی سرل نشان می‌دهد که ارتباط مستقیمی میان پایگاه اجتماعی شخصیت‌ها با نگرش و دغدغه آن‌ها و نحوه کاربرد زبان از سوی آن‌ها وجود دارد. اگرچه در گذشته با بیشتر با تیپ مواجه هستیم، اما به هر روی، تشخیص زبانی چه در لایه‌های ظاهری و چه در معانی ثانویه رخ می‌دهد و ناخودآگاه ویژگی‌های خاصی برای شخصیت‌ها ایجاد می‌کند. این تفاوت هم در نوع جملات (خبری، امری و نهی) و همچنین، در نوع کنش‌های زبانی آن‌هاست. براساس نتایج زنان صاحب قدرت در مقایسه با زنان سطح متوسط در تعداد کمتری از حکایت‌ها حضور دارند، با نگرش خردگرایانه و منطقی خود به حل بحران‌های سیاسی کمک می‌کنند؛ بنابراین، کنش زبانی آن‌ها از نوع اظهاری است. کم‌تر به بیان عواطف و احساسات می‌پردازند. همواره مقتدرند و ضعف و ناتوانی از خود بروز نمی‌دهند. تعداد جمله‌های آن‌ها در گفت‌وگو با شخصیت‌های مقابلشان بسیار بیشتر است که گویای قدرت و توانایی آن‌ها و نفوذ بر مخاطبشان است. برای نفوذ بیشتر از جملات خبری با معنای ثانوی امر استفاده می‌کند. به اقتضای عواطف زنانه و نقش مادری در مواردی نیز عواطف او بروز پیدا می‌کند. طبق جدول شماره ۴ تفاوت معناداری در کنش دو گروه از حیوانات وجود دارد. برخلاف حیوانات مؤنث، که تمثیل زنان صاحب قدرت بودند، حیوانات مؤنث طبقه متوسط در حکایت‌های بیشتری حضور دارند. دغدغه و هدف آنان حفظ خانواده و فرزندان است؛ بنابراین، گفتار آنان عاطفی‌تر است. این زنان مطیع‌ترند و اطاعت از قوانین شرع در ذهنشان نهادینه شده است. در مقایسه با زنان صاحب قدرت بسیار کم‌تر از کنش‌های اظهاری و بیشتر از کنش‌های عاطفی و ترغیبی و تعهدی استفاده می‌کنند. وضعیت اجتماعی و سیاسی‌ای که این حکایت‌ها در آن روایت شده بر چگونگی بازتاب زنان اثر مستقیم دارد.

جدول شماره ۴. مقایسه کنش‌ها در دو گروه حکایت‌ها

نوع کنش	حیوانات مؤنث صاحب قدرت	حیوانات مؤنث طبقه متوسط
کنش اظهاری	۱۶	۹
کنش ترغیبی	۶	۱۰
کنش عاطفی	۲	۷
کنش تعهدی	۱	۳



نمودار شماره ۱. نمودار فراوانی کنش‌های گفتاری در گفته‌های حیوانات مؤنث

تعارض منافع

طبق گفته نویسندگان، پژوهش حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع است.

منابع

- استرول، اورام. (۱۳۹۲). فلسفه تحلیلی در قرن بیستم. ترجمه فریدون فاطمی. تهران: مرکز.
- امامی، سعید و صحرایی، قاسم. (۱۴۰۲). «بررسی رابطه طبقه اجتماعی با اخلاق زنان در حکایات کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه». مجله پژوهش‌های نوین ادبی. شماره ۱. صص: ۱۵۳-۱۳۹.
- بی‌من، ویلیام. (۱۴۰۰). زبان، منزلت، قدرت در ایران. ترجمه رضا مقدم کیا. تهران: نی.
- پایا، علی. (۱۳۸۳). فلسفه تحلیلی، مسائل و چشم‌اندازها. تهران: طرح نو.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۹۱). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- تیموری، سمیرا؛ کزازی، میرجلال‌الدین و بیک‌زاده، خلیل. (۱۴۰۰). «نقد و تحلیل کنش‌های گفتاری جملات پرسشی در قصاید سلمان ساوجی». پژوهش‌های دستوری و بلاغی. شماره ۲۰. صص: ۳۴۸-۳۱۷.
- حیدری، علی. (۱۳۸۵). سیمای زن در کلیله و دمنه نصرالله منشی. «علوم انسانی». شماره ۵۶-۵۷. صص: ۶۵-۵۱.
- خسروی، نوشین. (۱۳۹۶). بررسی کنش‌های گفتاری در دو رمان فارسی «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» و «سمفونی مردگان» براساس نظرات آستین (۱۹۶۳) و سرل (۱۹۶۹). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته زبان‌شناسی همگانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه ایلام.
- رضوانی‌نیا، اسماعیل. (۱۳۹۷). نقد و تحلیل درون‌مایه و ساختار حکایت‌های تمثیلی (نمایشی) در ادب فارسی در قرن ۶ و ۷ بر پایه کلیله و دمنه، سمک عیار، چهارمقاله، مرزبان‌نامه و گلستان سعدی. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی. سبزوار.
- زرقانی، سیدمهدی و اخلاقی، الهام. (۱۳۹۱). «تحلیل ژانر شطرح بر اساس نظریه کنش گفتار». ادب عرفانی دانشگاه الزهراء. شماره ۶. صص: ۶۱۸۰.
- سرل، جان. آر. (۱۳۸۰). نگرش‌های نوین در فلسفه، فلسفه تحلیلی. ترجمه محمد سعیدی مهر. قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- سرل، جان. آر. (۱۳۸۵). افعال گفتاری جستاری در فلسفه زبان. ترجمه علی عبداللهی. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سرل، جان. آر. (۱۳۸۷). فلسفه ذهن. ترجمه محسن ایزدی. تهران: نوید.
- سمائی، زهرا؛ عرفانی، محمدجواد و بساک، حسن. (۱۳۹۸). «تحلیل متن نامه‌امیر مسعود به آلتون‌تاش خوارزمشاه از تاریخ بیهقی براساس نظریه کنش گفتار جان راجرز سرل». کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی. شماره ۴۳. صص: ۱۸۴-۱۵۹.

- صفوی، کوروش. (۱۳۸۷). فرهنگ توصیفی معناشناسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- عبداللهی، منیژه. (۱۳۸۱). فرهنگ‌نامه جانوران. تهران: پژوهنده.
- عبداللهیان، حمید و باقری، علی اصغر. (۱۳۹۴). «کنش‌های گفتاری پنج‌گانه در شعر «صدای پای آب» سپهری». مجله زبان و ادبیات فارسی. شماره ۸۲. صص: ۲۴۱-۲۸۵.
- کراچی، روح‌انگیز. (۱۳۹۵). «چگونگی تأثیر جنسیت بر ادبیات». زن در فرهنگ و هنر. شماره ۲. صص: ۲۲۳-۲۴۲.
- مکاریک، ایرما. (۱۳۹۳). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه مهرا مہاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
- ملایی، ماه‌نظر؛ تاج‌نیا، کیمیا و اصفهانی عمران، نعمت. (۱۴۰۰). «تحلیل گفتار شخصیت‌های زن و مرد در پادشاهی گشتاسب براساس نظریه گفتار سرل». جستارنامه ادبیات تطبیقی. شماره ۱۷. صص: ۶۰-۸۱.
- ملکی سروسرستانی، فرناز؛ جوکاری، مہناز و روحانی، علی. (۱۳۹۷). «بازنمایی اجتماعی کنش‌های گفتاری زنان (مورد مطالعه: رمان‌های هوشنگ مرادی کرمانی)». فصلنامه پژوهشی زن و جامعه. شماره ۱. صص: ۶۱-۸۰.
- منشی، نصرالله. (۱۳۸۷). کلیله و دمنه. به تصحیح مجتبی مینوی و زهرا کشاورز. چاپ سوم. تهران: بهزاد.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۹۵). عناصر داستان. تهران: سخن.
- نظام الملک. (۱۳۴۰). سیاست‌نامه. تهران: بنگاه نشر و ترجمه.
- نیازی، سعیده و ساکی انتظامی، سعیده. (۱۴۰۳). «ساختارهای تمثیلی و انواع آن در کلیله و دمنه». تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. شماره ۶۰. صص: ۵۶-۷۵.
- ویر، ماکس. (۱۳۶۷). مفاهیم اساسی در جامعه‌شناسی. ترجمه احمد صدراتی. تهران: نشر مرکز.

Barber, A & Stainton Robert J. (2010). Concise Encyclopedia of Philosophy of Language & Linguistics. Cambridge: Cambridge University.

Richards, J & Schmidt, R. (2002). Longman Dictionary Of Language Teaching & Applied Linguistics. London: Longman.

Searle, J. R. (1999) Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language. Cambridge: Cambridge University Press, New York and Melbourne.

Yule, G. (1996). Pragmatics. New York: Oxford university press.

References

Abdollahi, M. (2002). *Farhang-nameh-ye Janavaran*. Tehran: Pazhouhandeh. [In Persian]

Abdollahian, H & Bagheri, A.A. (2015). Konsh-haye Goftari-ye Panjganeh dar She'r-e "Sedaye Pay-e Ab" Sepehri. *Majalleh-ye Zaban va Adabiyat-e Farsi*, 82, 241-285. [In Persian]

Barber, A & Stainton Robert J. (2010). Concise Encyclopedia of Philosophy of Language & Linguistics. Cambridge: Cambridge University.

Beeman, W.O. (2021). *Zaban, Manzelat, Qodrat dar Iran*. Tarjome-ye Reza Moghaddam Kia. Tehran: Ney. [In Persian]

Emami, S & Sahraei, Q. (2024). Barrasi-ye Rabeteh-ye Tabaqeh-ye Ejtema'i ba Akhlaq-e Zanan dar Hekayat-e Kalila va Dimna va Marzban-nameh. *Majalleh-ye Pazhouhesh-haye Novin-e Adabi*, 1, 139-153. [In Persian]

Heydari, A. (2006). Sima-ye Zan dar Kalila va Dimna-ye Nasrollah Monshi. *Olum-e Ensani*, 56-57, 51-65. [In Persian]

Karachi, R. (2016). Chegunegi-ye Tasir-e Jensiyat bar Adabiyat. *Zan dar Farhang va Honar*, 2, 223-242. [In Persian]

Khosravi, N. (2017). Barrasi-ye Konsh-haye Goftari dar Do Roman-e Farsi "Cheragh-ha ra Man Khamoosh Mikonam" va "Symphony-ye Mordegan" bar Asas-e Nazar-e Austin (1963) va Searle (1969). Payan-nameh-ye Karshenasi-ye Arshad, Reshteh-ye Zaban-shenasi-ye Homgani, Daneshgah-e Ilam. [In Persian]

Searle, J. R. (1999) Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language. Cambridge: Cambridge University Press, New York and Melbourne.

Makaryk, I.R. (2014). *Danesh-nameh-ye Nazariyeh-haye Adabi-ye Mo'aser*. Tarjome-ye Mehran Mohajer va Mohammad Nabavi. Chap-e Panjom. Tehran: Agah. [In Persian]

Malaei, M.N & Tajnia, K & Esfahani Omran, N. (2021). Tahlil-e Gofar-e Shakhsiyat-haye Zan va Mard dar Padshahi-ye Goshtasp bar Asas-e Nazariyeh-ye Gofar-e Searle. *Jostar-namehye Adabiyat-e Tatbiqi*, 17, 60-81. [In Persian]

Maleki-Servestani, F & Jokari, M & Rouhani, A. (2018). Baznamayi-ye Ejtema'i-ye Konsh-haye Goftari-ye Zanan (Mored-e Motale'eh: Roman-haye Hooshang Moradi Kermani). *Faslnameh-ye Pazhouheshi-ye Zan va Jame'eh*, 1, 61-80. [In Persian]

Mirsadeghi, J. (2016). *Anaser-e Dastan*. Tehran: Sokhan. [In Persian]

Monshi, N. (2008). *Kalila va Dimna*. Be Tashih-e Mojtaba Minovi va Zahra Keshavarz. Chap-e Sevvom. Tehran: Behzad. [In Persian]

Nezam al-Molk. (1961). *Siyasat-nameh*. Tehran: Bongah-e Nashr va Tarjomeh. [In Persian]

Niazi, S & Saki Entezami, S. (2024). Sakhtar-haye Tamsili va Anva'e An dar Kalila va Dimna. *Tahghihat-e Tamsili dar Zaban va Adab-e Farsi*, 60, 56-75. [In Persian]

Paya, A. (2004). *Falsafeh-ye Tahlili: Masa'el va Cheshm-andazha*. Tehran: Tarh-e Now. [In Persian]

Pournamdarian, T. (2012). *Ramz va Dastan-haye Ramzi dar Adab-e Farsi*. Tehran: Farhang-e Mo'aser. [In Persian]

- Rezvani-Nia, E. (2018). *Naqd va Tahlil-e Darun-mayeh va Sakhtar-e Hekayat-haye Tamsili (Namayeshi) dar Adab-e Farsi dar Qarn-haye 6 va 7 bar Payeh-ye Kalila va Dimna, Samak-e Ayyar, Chahar Maqaleh, Marzban-nameh va Golestan-e Sa'di*. Resaleh-ye Dكتورa. Daneshgah-e Azad-e Eslami, Sabzevar. [In Persian]
- Richards, J & Schmidt, R. (2002). *Longman Dictionary Of Language Teaching & Applied Linguistics*. London: Longman.
- Safavi, K. (2008). *Farhang-e Towsifi-ye Ma'nashenasi*. Chap-e Chaharom. Tehran: Farhang-e Mo'aser. [In Persian]
- Samaei, Z & Erfani, M.J & Basak, H. (2019). Tahlil-e Matn-e Nameh-ye Amir Mas'ud be Altuntash-e Khwarazmshah az Tarikh-e Beyhaqi bar Asas-e Nazariyeh-ye Konsh-e Goftar-e John Rogers Searle. *Kavosh-nameh-ye Zaban va Adabiyat-e Farsi*, 43, 159-184. [In Persian]
- Searle, J.R. (2001). *Negaresh-haye Novin dar Falsafeh: Falsafeh-ye Tahlili*. Tarjome-ye Mohammad Saeidi-Mehr. Qom: Mo'asseseh-ye Farhangi-ye Taha. [In Persian]
- Searle, J.R. (2006). *Afal-e Goftari: Jostari dar Falsafeh-ye Zaban*. Tarjome-ye Ali Abdollahi. Tehran: Pazhouheshgah-e Olum va Farhang-e Eslami. [In Persian]
- Searle, J.R. (2008). *Falsafeh-ye Zehn*. Tarjome-ye Mohsen Izadi. Tehran: Navid. [In Persian]
- Searle, J. R. (1999) *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge: Cambridge University Pres, New York and Melbourne.
- Stroll, A. (2013). *Falsafeh-ye Tahlili dar Qarn-e Bistom*. Tarjome-ye Fereydoun Fatemi. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Teymouri, S & Kazzazi, M.J & Bikzadeh, K. (2021). Naqd va Tahlil-e Konsh-haye Goftari-ye Jomalat-e Porseshi dar Qasa'-e Salman Saveji. *Pazhouhesh-haye Dastouri va Balaghi*, 20, 317-348. [In Persian]
- Weber, M. (1988). *Mafahim-e Asasi dar Jame'eh-shenasi*. Tarjome-ye Ahmad Sadrati. Tehran: Nashr-e Markaz. [In Persian]
- Yule, G. (1996). *Pragmatics*. New York: Oxford university press.
- Zarghani, S.M & Akhlaghi, E. (2012). Tahlil-e Zhanr-e Shath bar Asas-e Nazariyeh-ye Konsh-e Goftar. *Adab-e Erfani-ye Daneshgah-e Alzahra*, 6, 61-80. [In Persian]